

اجاره انگاری ازدواج موقت و چالش‌های فقهی آن

زینب محمدزاده^۱، سعید نظری توکلی^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۲/۱۸ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۶/۲۷)

چکیده

فقه‌های امامیه توافق زوجین بر برقراری زوجیت برای مدت محدود را با عنوان ازدواج موقت و یکی از گونه‌های عقد ازدواج بر شمرده‌اند که به واسطه جریان برخی احکام معاوضات، می‌توان آن را نوعی قرارداد مبنی بر معاوضه «مهر» در برابر «بهره‌وری جنسی» قلمداد کرد. رکن بودن «مهر» و «مدت» در ازدواج موقت، سبب شده تا گروهی از فقه‌های امامیه آن را از مصادیق «عقد اجاره» برشمارند. اجاره انگاری ازدواج موقت، این قرارداد را با چالش‌های مهم فقهی و اخلاقی مواجه کرده است که از جمله می‌توان به تنزل جایگاه زن اشاره کرد. یافته‌های این پژوهش که با روش تحلیلی و توصیفی و به استناد منابع کتابخانه‌ای انجام شده، نشان می‌دهد با وجود برخی شباهت‌های ظاهری میان ازدواج موقت و اجاره در برخی ارکان و احکام، ماهیت ازدواج موقت، توافق زوجین بر زندگی زناشویی در مدتی خاص است و معاوضه‌ای میان بهره‌وری جنسی از زوجه در برابر پراخت مهریه از سوی زوج برای مدت معین انجام نمی‌شود.

کلید واژه‌ها: اجاره، ازدواج موقت، بهره‌وری جنسی، معاوضه، مهریه.

۱. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق و اندیشه امام‌خمينی (ره)، پژوهشکده امام‌خمينی (ره) و انقلاب

Email: z.mohammadzade63@gmail.com

اسلامی؛ (نویسنده مسئول)؛

۲. استاد گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران؛

Email: sntavakkoli@ut.ac.ir

مقدمه

در متون فقهی امامیه مطالب زیادی درباره مشروعیت یا نسخ مشروعیت ازدواج موقت، ضرورت و کارکردهای آن، احکام و شباهت‌ها و تفاوت‌های آن با ازدواج دائم بیان شده است، ولی کمتر به ماهیت آن به عنوان یک قرارداد پرداخته شده است. برخی از فقها با اشاره به رکن بودن مهریه و غایت‌انگاری بهره‌وری جنسی، ازدواج موقت را قراردادی مبتنی بر مبادله مهریه و بهره‌وری جنسی برای مدت معلوم به حساب آورده‌اند؛ یعنی زن بهره‌وری جنسی مرد از خود را در برابر اجرت معین (مهر) برای مدت معین می‌پذیرد. گروهی از فقهای امامیه از این عقد با عنوان «معاوضه» [۶۴، ج ۳، ص ۸۰]، «دارای رائجه اجاره» [۲۷، ج ۲، ص ۶۶]، «شبیّه اجاره» [۶۹، ج ۳۰، ص ۱۶۲] و «اجاره» [۵۱، ص ۲۰۱ و ۲۰۲] یاد کرده‌اند؛ در برابر، شماری نیز با تکیه بر تشابه ماهوی ازدواج دائم و موقت و بیان تفاوت آنها در احکام و اغراض با سایر قراردادها همچون بیع و اجاره، ازدواج موقت را متمایز از عقد اجاره و معاوضه، بلکه «شبه معاوضه» و در زمره عبادات به حساب آورده‌اند؛ در نتیجه، ازدواج موقت با معاوضات مالی متقوم به مال، همچنین تصور خریدار و فروشنده یا موجر و مستأجر در آن، قابل مقایسه نیست؛ زیرا ازدواج، دائم باشد یا موقت، همانطور که از معنای لغوی آن (ضم شیء الی شیء) بر می‌آید، قرار گرفتن زن و شوهر در کنار یکدیگر است. [۲۶، ج ۲۱، ص ۹] ارکان عقد ازدواج موقت نیز مانند ازدواج دائم، تنها خود زوجین هستند و مهریه و مدت تنها از شروط عقد موقت به شمار می‌روند. [۶۴، ج ۱، ص ۹۳ و ۹۴] از این رو، یکسان‌انگاری ازدواج موقت (متمعه) با رابطه نامشروع (فَإِنَّ الْمُتَمَتِّعَ بِالنِّكَاحِ الْمُؤَقَّتِ لَا يَقْصِدُ الْإِحْصَانَ دُونَ الْمُسَافَحَةِ، بَلْ يَكُونُ قَصْدُهُ الْأَوَّلُ الْمُسَافَحَةَ) [۱۹، ج ۵، ص ۱۲] امری نادرست است.

اجاره انگاری ازدواج موقت

۱. تبیین نظریه

طرفداران معاوضه انگاری ازدواج موقت، با تمرکز بر تفاوت اغراض در ازدواج دائم و ازدواج موقت، آن را به عقد اجاره تشبیه کرده‌اند؛ چه اینکه هدف از ازدواج دائم، دوام نسل و هدف از ازدواج موقت، بهره‌وری جنسی (استمتاع) است. [۶۹، ج ۳۰، ص ۱۶۲] مشکینی از فقهای معاصر امامیه ازدواج موقت را این‌گونه تعریف می‌کند: «حقیقه هذا النکاح عبارة عن العلاقة الاعتبارية الخاصة الموقته المعوضه» [۶۱، ج ۴، ص ۲۲۳] وی

ضمن استفاده از واژه‌های «ایجار» و «استئجار» در توصیف این عقد، انعقاد آن را با لفظ اجاره صحیح می‌داند. [۶۱، ج ۴، ص ۲۲۷] رشید رضا و مقدسی از مفسران و فقهای اهل سنت، ازدواج موقت را چنین توصیف می‌کنند: «المتعّه ... هی استئجار عارض» [۱۹، ج ۵، ص ۱۶]؛ «الْمُتَعَّةُ إِلَى أَجَلٍ فِي مَعْنَى الْإِجَارَةِ، ... وَلِأَنَّهُ انْتِفَاعٌ بِبُضْعٍ إِلَى أَجَلٍ، كَمَا أَنَّ الْإِجَارَةَ انْتِفَاعٌ بِعَوَضٍ إِلَى أَجَلٍ» [۶۳، ص ۸۳]. علاء الدین کاشانی از فقهای حنفی نیز در توضیح استناد فقهای امامیه به آیه ۲۴ سوره نساء برای مشروعیت ازدواج موقت آورده است: «أَنَّهُ تَعَالَى أَمْرَ بَيِّنَاتٍ الْأَجْرِ وَ حَقِيقَةَ الْإِجَارَةِ وَ الْمَتَعَةَ عَقْدُ الْإِجَارَةِ عَلَى مَنْفَعَةِ الْبُضْعِ» [۵۳، ج ۲، ص ۲۷۲]

برخی از فقهای اهل سنت در توصیف ازدواج موقت، پا را از این فراتر گذاشته، متعه زنان را مشابه اجاره چارپایان برای سواری یا اجاره خانه برای سکونت یا اجاره عبد برای خدمتکاری و مانند آن دانسته‌اند. [۱۴، ج ۱، ص ۲۷۸ و ۲۷۹] ابو زهره لزوم ذکر مهریه را در ازدواج موقت بنا به اعتقاد شیعه چنین توصیف می‌کند: «فهی فی حقیقتها اجارة المرأة للمتعة كاجارتها للخدمة علی سواء». [۴، ج ۳، ص ۸۱۵ و ۸۱۶] وی در تقبیح ازدواج موقت و رد مشروعیت آن به جهت تنزل جایگاه زن می‌نویسد: «ای مردم، این همان متعه یا به عبارت دقیق‌تر اجاره اندام تناسلی (بهره وری جنسی) زن برای مدت معلوم است. آیا متعه بر فرض صحت، قابل تطبیق بر عصر حاضر است؟ متعه، شایسته کرامت زنان نیست؛ بلکه نهایت وهن ایشان و تنزل آنها در مرتبه خدمتکارانی است که اجاره داده می‌شوند و سپس فرزندان نامشروعی از آنها متولد می‌شود». [۴، ج ۳، ص ۸۱۶]

از نظر برخی مورخان، ازدواج موقت نتیجه وضعیت زنان در شبه جزیره عربستان قبل از اسلام و متأثر از شریعت یهود و نصرانی است؛ زیرا در آئین یهود، زن ملک پدر و همسر اوست. زن فروخته می‌شد و به ارث می‌رسید و برای مدتی اجاره داده می‌شد. اجاره زن همان چیزی است که از آن به نام «زواج متعه» یاد می‌شده است. [۴۳، ص ۲۹۴]

۲. دلایل

برخی دلایل نظریه «اجاره انگاری ازدواج موقت» عبارتند از:

۲.۱. نصوص دینی

مفسران با استناد به تعبیر «اجر» برای مهریه و وجود لفظ «استمتاع» در آیه ۲۴ سوره نساء (فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ قَرِيضَةً)، این آیه را ناظر به ازدواج موقت می‌دانند. [۳۸، ج ۳، ص ۵۲؛ ۳، ج ۵، ص ۳۱۵؛ ۵۶، ج ۲، ص ۱۸۹] برخی از فقها نیز از

عبارت «أَجُورَهُنَّ» در این آیه، برای اثبات معاوضه میان مهریه و بهره‌وری جنسی در ازدواج موقت استفاده کرده، احکام اجاره را در ازدواج موقت جاری می‌دانند. از نظر آنها ازدواج دائم «تملیک بضع» و ازدواج موقت «اجاره بضع» است. [۵۰، ج ۳، ص ۷۶] استفاده از تعبیر «اجر» نشانگر آن است که ازدواج (دائم و موقت) معاوضه است. [۶۴، ج ۳، ص ۸۰]

همچنین برخی مفسرین در جواز ازدواج موقت مرد مسلمان با زن یهودی و نصرانی به آیه ۵ سوره مائده (وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ) استناد کرده اند؛ زیرا در عرف فقها از عوض در نکاح دائم به «صداق» و «مهر» یاد می‌شود و تعبیر به «اجرت» در آیه بیانگر آن است که ازدواج با زنان یهودی و مسیحی، باید به صورت اجاره که مدت و زمان در آن رکن است، منعقد شود. [۱۸، ج ۴، ص ۳۵۲]

در شماری از روایات نیز بر لزوم تعیین «اجر» و «مدت» در عقد موقت و رکنیت آنها تأکید شده است (لَا تَكُونُ مُتْعَةً إِلَّا بِأَمْرَيْنِ أَجَلٍ مُسَمًّى وَ أَجْرٍ مُسَمًّى). [۵۵، ج ۵، ص ۴۵۵، ح ۴۱؛ ج ۷، ص ۲۶۲ و ۲۶۳] همچنین در برخی روایات از زنانی که ازدواج موقت می‌کنند، با عباراتی چون «مستأجرات» و «مستأجره» یاد شده است (ذَكَرْتُ لَهُ الْمُتْعَةَ أَيْ مِنْ الْأَرْبَعِ فَقَالَ تَزَوَّجُ مِنْهُنَّ أَلْفًا فَإِنَّهُنَّ مُسْتَأْجَرَاتٌ؛ فِي الْمُتْعَةِ قَالَ: لَيْسَتْ مِنَ الْأَرْبَعِ لِأَنَّهَا لَا تُطَلَّقُ وَلَا تَرِثُ وَإِنَّمَا هِيَ مُسْتَأْجَرَةٌ). [۵۵، ج ۵، ص ۴۵۱، ح ۴۱؛ ج ۷، ص ۲۵۹، ح ۴۵] در روایت عبدالله بن سلام از امام صادق (ع) نیز از ازدواج موقت به اجاره یاد شده است («عن عبد الله بن سلام عن أبي عبد الله -عليه السلام- قال: قلت له: ما تقول في المتعة؟ ... قال: ليست من الأربع، إنما هي إجارة»). [۴۷، ج ۱، ص ۲۳۴؛ ۵۷، ج ۱۰۰، ص ۳۱۵] روایاتی هم که ائمه علیهم السلام از دلالت آیه ۲۴ نساء بر مشروعیت متعه استدلال کرده‌اند، [۱۷، ج ۲۱، ص ۵، ح ۳] بیانگر آن است که ازدواج موقت، استمتاع در برابر اجر و همانند عقد اجاره است.

۲.۲. رکن بودن مهریه در ازدواج موقت

فقهای امامیه به اتفاق، ازدواج موقت را متشکل از چهار رکن صیغه، زوجین، مهریه و مدت می‌دانند. [۵۸، ج ۲، ص ۲۴۷؛ ۲۳، ج ۴، ص ۲۸۶؛ ۲۷، ج ۲، ص ۵۶؛ ۶۱، ج ۴، ص ۲۲۳] مهریه در ازدواج موقت، هدیه یا پیشکش (عطیه) مرد به زن نیست، بلکه یکی از ارکان اصلی عقد به شمار رفته، و عدم ذکر آن موجب بطلان عقد است. از این رو،

مهریه در ازدواج موقت، شبیه عوض در معاوضات است. [۳۰، ج ۲، ص ۲۴۸] تفاوت مهریه در ازدواج دائم و در ازدواج موقت چنین توضیح داده شده است: «مهریه در عقد دائم، عوض مالکیت بهره‌وری جنسی است، اما در ازدواج موقت، آن گونه که مال الاجاره، عوض انتفاع از عین مستأجره است، مهریه هم عوض انتفاع از زن می‌باشد». [۴۲، ج ۴، ص ۳۰۶] صیغه ازدواج موقت (متعت) نیز به جهت لزوم ذکر مدت و عوض در آن، به منزله اجاره است. [۵۱، ص ۲۰۱ و ۲۰۲] از این رو، اساس عقد ازدواج موقت، همسر بودن نیست؛ بلکه انتخاب همسر، مقدمه‌ای برای استمتاع است؛ [۳۱، ج ۱۹، ص ۶۰۲۷] حقوق زوجین هم عبارتست از حق استمتاع برای مرد و مهریه برای زن. [۱۲، ج ۴، ص ۱۴۷، مسأله ۵۱۰۳]

۳.۲. شباهت ازدواج موقت با معاوضات

شماری از فقها به صراحت از ازدواج موقت با عنوان «معاوضه مهریه و حق انتفاع زوج» یاد کرده‌اند. [۶۴، ج ۶، ص ۶۸] تا آنجا که این دیدگاه را به مشهور نیز نسبت داده‌اند. [۶۴، ج ۶، ص ۵۵] محقق کرکی درباره ماهیت ازدواج موقت می‌نویسد: «هذا النکاح لاحقا بالمعاوضات» [۵۹، ج ۱۳، ص ۲۲]

بنا به اعتقاد طرفداران این دیدگاه، ازدواج موقت به واسطه رکن بودن مهریه و مدت، در میان معاوضات، بیشترین شباهت را به عقد اجاره دارد؛ تا آنجا که برخی فقها افزون بر روایات موجود، از شباهت ازدواج موقت با عقد اجاره، به عنوان یک دلیل شبه عقلی یاد کرده‌اند. همان‌گونه که در عقد اجاره، بایستی مال الاجاره معلوم باشد، در ازدواج موقت نیز باید مهریه معین باشد. [۶۴، ج ۵، ص ۳۵] همچنین برخی با تأکید بر شباهت‌های میان ازدواج موقت با اجاره و عدم کفایت مشاهده در دفع غرر در عقد اجاره، لزوم کیل و وزن در مهریه ازدواج موقت را نیز محتمل دانسته‌اند. [۵۴، ص ۱۴۴]

بنابر آنچه گذشت، اساس اجاره انگاری ازدواج موقت را باید در معاوضه انگاری ماهیت این عقد و معاوضه مهریه در برابر اجر جستجو کرد. از این رو، برخی از احکام معاوضات در ازدواج موقت جاری است از جمله: بطلان ازدواج موقت در صورت عدم ذکر مهریه [۱۱، ج ۲۴، ص ۱۵۶]؛ بطلان ازدواج موقت در صورت بطلان مهریه به دلیل مالیت نداشتن، مجهول بودن یا ملک غیر بودن [۵۹، ج ۱۳، ص ۲۰؛ ۶۰، ص ۲۱۱ و ۲۱۲]؛ بطلان ازدواج موقت یا تبدیل آن به دائم در صورت عدم ذکر مدت [۲۸، ص ۴۸]؛

ص ۶۵؛ مالکیت زوجه نسبت به تمام مهریه به مجرد عقد [۶۴، ج ۶، ص ۶۸]؛ سقوط مهریه در صورت نشوز زوجه و عدم تمکین [۲۰، ج ۳، ص ۱۳۳]؛ سقوط مهریه و تقاص آن توسط زوج به نسبت اخلاص زوجه در مدت [۶۴، ج ۵، ص ۳۸]؛ بطلان اشتراط خيار در مهریه [۳۶، ج ۲، ص ۸۵۷]؛ فسخ ازدواج موقت در صورت اشتراط خيار در مهریه یا فسخ مهریه [۶۹، ج ۲۹، ص ۱۵۱]؛ وجود حق حبس در ازدواج موقت [۶۹، ج ۳۱، ص ۴۱]؛ حق حبس زوجه حتی در صورت اعسار زوج [۶۴، ج ۶، ص ۵۲].

۳. نظریه رقیب

در برابر دیدگاه پیش‌گفته، شماری از فقها هر چند مهریه را از ارکان عقد موقت می‌دانند، معاوضه و اجاره بهره‌وری جنسی در برابر مهریه در ازدواج موقت را نمی‌پذیرند. میرزای قمی در این باره می‌نویسد: «در ازدواج موقت، مهریه، رکن عقد است، ولی این عقد در زمره معاوضات محض قرار نمی‌گیرد؛ زیرا غرض از این عقد، تنها معاوضه مالی نیست، بلکه هدف عمده، کامجویی است. این هدف در ازدواج موقت برای هر دو طرف (زوج و زوجه) به‌دست می‌آید و چه بسا برای زوجه بیش از زوج باشد.» [۶۷، ج ۲، ص ۹۳۵] در تعیین میزان مهریه در ازدواج موقت، به خلاف عوضین در عقود معاوضی چون بیع و اجاره، کیل و وزن دقیق معتبر نیست، بلکه مشاهده یا توصیف آن به تنهایی نیز کفایت می‌کند؛ زیرا ازدواج موقت از معاوضات محض نبوده، عدم غرر در آن معتبر نیست. [۲۷، ج ۲، ص ۶۸؛ ۴۹، ج ۷، ص ۲۷۶؛ ۶۹، ج ۳۱، ص ۱۹] بدین ترتیب، نظریه اجاره‌انگاری ازدواج موقت به دلایل زیر قابل نقد است:

۳.۱. ساختار صیغه ازدواج موقت

از جمله دلایل تمایز ماهوی ازدواج موقت از سایر عقود معاوضی همچون بیع و اجاره، تفاوت‌های اساسی میان صیغه انعقاد این عقد با سایر عقود است.

الف) عدم کاربست الفاظ معاملات در صیغه ازدواج موقت

ازدواج موقت به سبب وجود مهریه و مدت، شبیه عقد اجاره است، ولی با الفاظ معاوضات مانند «آجرتک» منعقد نمی‌شود؛ همچنان که عقد اجاره نیز با الفاظ ازدواج موقت مانند «متعتک» انشاء نمی‌شود. در حالی که اگر ازدواج موقت، اجاره به حساب می‌آمد، می‌بایست با واژه آجرتک منعقد می‌شد. [۶۴، ج ۶، ص ۵۳؛ ۴۸، ص ۲۸؛ ۲۱، ج ۵،

ص ۶۲] همچنین بنا به دیدگاه برخی فقها از جمله امام خمینی، در انعقاد ازدواج موقت به خلاف عقد اجاره، توافق زوجین بر مدتی بیش از طول عمر متعارف زوجین، صحیح است. [۴۹، ج ۷، صص ۲۷۹ و ۲۸۰؛ ۲۲، ج ۲، ص ۲۹۰] افزون بر این ازدواج موقت در روش‌های انحلال هم با عقد اجاره تفاوت دارد؛ زیرا از نظر برخی از فقها امکان فسخ عقد موقت با خیار فسخ یا اقاله ممکن نیست [۳۶، ج ۲، ص ۸۵۷؛ ۲۴، ج ۳۳، ص ۱۷۱]

ب) کاربرد واژه «علی» در صیغه نکاح

در صیغه عقد موقت همچون عقد دائم که در آن مهریه ذکر می‌شود، مهریه با حرف استعلا «علی» انشاء می‌شود و نه با حرف مقابله «باء». چگونگی انشاء این عقد بیانگر این حقیقت است که مهریه در ازدواج موقت، به خلاف عوض در عقود معاوضی، در مقابل بهره‌وری جنسی از زوجه قرار نگرفته است. [۶۶، ج ۲، ص ۷۲۶]

ج) اعتبار شخصیت زوجین در ازدواج موقت

از جمله تفاوت‌های عقود معاوضی و غیرمعاوضی، تأثیر شخصیت متعاقدین در شکل‌گیری عقد است. در عقود معاوضی همچون بیع و اجاره، علت اصلی انعقاد عقد را شخصیت دو طرف عقد تشکیل نداده، قصد دو طرف، مبادله مال با یکدیگر است؛ ولی در عقود غیرمعاوضی، علت اصلی انعقاد عقد، شخصیت طرف مقابل است، زیرا در بیشتر این عقود، انگیزه‌های غیرمادی مانند مسائل عاطفی و معنوی در شکل‌گیری عقد مؤثر است و به همین جهت، اشتباه در شخصیت طرف عقد منجر به بطلان آن عقد می‌شود. برای نمونه، اگر کسی به گمان این‌که طرف عقد برادر اوست، چیزی به او هدیه دهد، ولی پس از عقد معلوم شود که گیرنده برادرش نبوده، عقد هبه باطل است. [۳۳، ج ۱، صص ۱۱۳-۱۱۴؛ ۳۴، ج ۲، ص ۳۶] در ازدواج موقت نیز زوجین در حکم عوضین عقد بوده و بنابراین تعیین آن دو و هماهنگی بین ایجاب و قبول، نسبت به آنها لازم است [۶۸، ج ۱، ص ۱۱۴؛ ۶، ج ۳، ص ۳۰۴] و این نشان‌گر نقش شخصیت دو طرف عقد ازدواج، بر خلاف مسائل مالی همچون مهریه و نفقه، در انعقاد آن است.

۳.۲. جایگاه مهریه در ازدواج موقت

هرچند مهریه در ازدواج موقت به خلاف ازدواج دائم از جمله ارکان این قرارداد است و به همین دلیل برخی آن را عقد معاوضی دانسته‌اند [۷، ص ۲۱۳]؛ ولی این مسئله سبب تفاوت ماهوی این دو عقد و همسانی ازدواج موقت با اجاره نشده؛ بلکه مهریه در ازدواج موقت شبیه مهریه در ازدواج دائم است. «مهریه، بهای زن نیست. شأن و شخصیت زن

بسیار بالاتر از آن است که با مال و مانند آن معامله شود، از این رو نمی‌توان رابطه مهر با تمکین زن را همچون رابطه عوض و معوض در قراردادهای مالی قیاس کرد.» [۵۲، ۱۳۷۵، ص ۱۲۸] برخی تفاوت‌های مهریه با عوض در معاوضات از این قرار است:

الف) تابعیت مهریه از تراضی طرفین

گرچه برابری ارزش عوضین در عقود معاوضی ملاک نیست، ولی تعادل ارزش آنها شرط است و در صورتی که به هم خوردن این تعادل، قابل چشم پوشی از جانب مغبون نباشد، مغبون می‌تواند با استفاده از اختیار غبن، عقد را فسخ و ضرر وارد بر خود را دفع کند؛ اما فسخ عقد ازدواج با استفاده از اختیاراتی که به موجب به هم خوردن تعادل عوضین ایجاد می‌شود، ممکن نیست. میزان مهر، تابع تراضی دو طرف است. حاکمیت اراده زوجین در تعیین میزان مهریه با عوض‌انگاری آن همچون عقود معاوضی سازگار نیست. [۱۵، ص ۱۸۵-۱۸۴؛ ۴۱، ج ۷، ص ۳۵۴].

ب) صحت تعیین مهریه از مال دیگری

براساس قاعده رایج در معاوضات، عوض از ملک کسی خارج می‌شود که معوض در ملک او داخل می‌شود. برخی از فقها این حکم را به ازدواج نیز تسری داده، بر این باورند که با تعیین مهریه از مال فردی غیر از زوج، گویی منفعت بهره‌وری جنسی وارد ملک کسی شده که عوض از ملک او خارج نشده است؛ در نتیجه، این عقد باطل است. [۶۰، ص ۲۱۱ و ۲۱۲] با این وجود، بیشتر فقها، مالکیت زوج بر مالی که به عنوان مهریه تعیین می‌کند را شرط نمی‌دانند؛ زیرا ازدواج یک قرارداد مالی و تابع قواعد رایج در معاوضات نیست. حقیقت ازدواج (دائم و موقت)، همان تزویج و مجانست است و بهره‌وری جنسی از جمله آثار زوجیت است و نه ماهیت آن و چون تملیک بهره‌وری جنسی به دیگری مشروع نیست، قابل معاوضه با اجرت نیز نخواهد بود. [۲۹، ج ۲۵، ص ۱۸۴؛ ۶۰، ص ۲۱۴]

ج) تفاوت حق حبس در ازدواج موقت با معاوضات

در تمامی معاوضات چنانچه یکی از دو طرف، عوضی که در ملکش بوده را به طرف مقابل تسلیم نکند، طرف مقابل حق دارد از تسلیم عوض خود به دیگری خودداری کند (حق حبس). وجود حق حبس در ازدواج موقت سبب نمی‌شود تا از جمله عقود معاوضی

به حساب آید؛ زیرا چند تفاوت اصلی میان حق حبس در عقد ازدواج با حق حبس در دیگر معاوضات وجود دارد: یک‌طرفه بودن در ازدواج، [۶۹، ج ۳۱، ص ۴۲] سقوط با اولین تمکین زوجه، [۲، ج ۲، ص ۵۹۱] سقوط به موجب اعسار زوج [۶۵، ج ۱، ص ۴۱۴]. برخی از فقها جریان حق حبس معاوضات در عقد ازدواج (دائم و موقت) را نپذیرفته‌اند. [۵۴، ص ۲۱۳] شماری نیز با وجود پذیرش این حق، آن را محصول معاوضی بودن ازدواج ندانسته، بلکه نتیجه دو تعهدی بودن این عقد به حساب آورده‌اند؛ زیرا یکی از ویژگی‌های عقود دو تعهدی آن است که هرگاه یکی از دو طرف قرارداد از اجرای تعهد خود سرباز زند، طرف دیگر می‌تواند از اجرای تعهد خویش خودداری کند. از این رو، به واسطه وحدت ملاک، حق حبس جاری در معاوضات، قابل تعمیم به سایر عقود دو تعهدی از جمله ازدواج نیز هست. [۳۴، ج ۲، ص ۳۳]

د) کنایه بودن تعبیر اجر در مهر

آن‌گونه که گذشت، از جمله دلایل اجاره‌انگاری ازدواج موقت، کاربست واژه «اجر» در آیات و روایات در مورد مهریه و تعبیر «مستأجره» درباره زوجه است؛ اما این استدلال به چند دلیل قابل نقد و ایراد است: استدلال معصوم به عبارت «اسْتَمْتَعْتُمْ» در آیه ۲۴ سوره نساء است و نه کلمه «أَجُورَهُنَّ». بنابراین، تعبیر اجر درباره مهریه، حکایت از اجاره بودن ازدواج موقت نداشته، تنها به جهت شباهت میان مهریه و اجر است. شاهد بر این، کاربست لفظ «اجر» در موارد دیگری غیر از ازدواج موقت در قرآن است، از جمله: مهریه زنان پیامبر (أحزاب/۵۰) و مهریه در عقد دائم (نساء/۲۵؛ مائده/۶)؛ حال آن‌که معصومین علیهم‌السلام هرگز در تشریح ازدواج موقت به آنها استدلال نکرده‌اند. در نتیجه، مراد از «أَجُورَهُنَّ» در همه موارد، مهریه زنان است و نه اجاره ایشان. [۲۱، ج ۵، ص ۶۴ و ۶۵؛ ۳۷، ج ۴، ص ۲۶۸-۲۶۹]

استفاده از واژه «مستأجره» در مورد زوجه در ازدواج موقت، برفرض ثبوت، به معنای اجاره زن در برابر مهریه نیست؛ زیرا از نظر قرآن تنها با دو دسته از زنان آمیزش جایز است: زوجه و کنیز (نساء/۳). تنزیل زوجه در ازدواج موقت «به منزله کنیز» (قُلْتُ كَمْ تَحِلُّ مِنَ الْمُتَعَةِ قَالَ قَالَ هُنَّ بِمَنْزِلَةِ الْإِمَاءِ) [۵۵، ج ۵، ص ۴۵۱، ج ۱؛ ۴۱، ج ۷، ص ۲۷۰] تنها از جهت جواز ازدواج موقت همزمان با بیش از چهار زن است؛ نه این‌که زوجه، مال الاجاره به حساب آید. [۷۰، ص ۸۱ و ۸۳]

از آن جا که ازدواج بودن عقد موقت و داشتن آثار آن (مثل عدم جواز متعه خواهر، مادر یا دختر زن متعه) با اجاره بودن آن قابل جمع نیست؛ ناگزیر بایستی نصوصی که دلالت بر ازدواج دارند را بر غیر معنای عرفی آن حمل کنیم یا عبارت «إنهنّ مستأجرات» را بر تشبیه. [۲۱، ج ۵، ص ۶۲] عرف از ازدواج موقت برداشت معاوضی نداشته و زن را کالای قابل معاوضه نمی‌داند. تعبیرهایی چون «مستأجرات» و «مستأجره» در برخی روایات به فرض صحت سندی آنها، تنها در مقام تشبیه هستند، زیرا ازدواج موقت مانند عقد اجاره از عقود مدت‌دار است که با پایان یافتن آن، منحل می‌شود؛ [۶۷، ج ۲، ص ۹۳۳]. همچون تعبیر به «إنما هو مستام» [۴۱، ج ۷، ص ۴۳۵] یا «إنما یشتريها بأغلی الثمن» [۵۵، ج ۵، ص ۳۶۵] در روایات ازدواج دائم که دلالت بر معاوضه و بیع بودن آن ندارد. [۳۵، ج ۱۴، ص ۱۰۷-۱۱۰]

افزون بر این، بسیاری از احکام مرتبط با مهریه در ازدواج موقت، از جمله: استحقاق زوجه به نصف مهریه در صورت بذل مدت توسط زوج قبل از نزدیکی [۵۸، ج ۲، ص ۲۴۹]، استحقاق زوجه به مهریه المثل قبل از انقضای مدت در صورت علم به بطلان عقد پس از نزدیکی [۲۲، ج ۲، ص ۲۹۰] و عدم سقوط مهریه با مرگ زوجه در اثناء مدت [۴۵، ج ۳، ص ۵۴]، بیانگر وجوه تمایز مهریه از اجرت و ثمن معاوضات دارند.

۳.۳. جایگاه بهره‌وری جنسی در ازدواج موقت

برای رد نظریه اجاره‌انگاری ازدواج موقت، اثبات عدم صلاحیت بهره‌وری جنسی برای عوض و مال الاجاره بودن ضروری است تا آن را از عقود معاوضی متمایز کند:

الف) صحت شرط عدم حق بهره‌وری جنسی

فقها در خصوص مقتضیات عقد ازدواج اتفاق نظر ندارند. فقهای پیش از مرحوم نجفی (صاحب جواهر)، آمیزش جنسی زوجین را از مقتضیات عقد ازدواج دانسته و شرط عدم بهره‌وری جنسی را خلاف مقتضای عقد ازدواج، باطل و مبطل عقد می‌دانستند. ولی صاحب جواهر، بین مقتضای اطلاق عقد و مقتضای ذات آن تمایز قائل شده است؛ یعنی در صورتی که درباره آمیزش، شرطی بین زوجین گذاشته نشود، این اطلاق منصرف به انجام آمیزش است، هرچند آمیزش، مقتضای عقد ازدواج نبوده، زوجه می‌تواند به دلایلی چون عدم تمایل به ازاله بکارت یا فرزندآوری، عدم آمیزش را در عقد شرط کند. [۲۵، ص ۱۳۸؛ ۱۳، ص ۳۹]

آمیزش جنسی تنها هدف عقد ازدواج (دائم یا موقت) نبوده، ازدواج، «مالکیت حلیت بضع» است و نه «فعلیت استمتاع»؛ [۱۶، صص ۷۶۴-۷۸۴] در نتیجه، مقتضای ذات ازدواج، تنها ایجاد رابطه زوجیت است که پس از اجرای صیغه عقد ازدواج، به وجود می‌آید و به همین جهت، زوجه می‌تواند ضمن عقد ازدواج شرط عدم آمیزش کند. هرچند برخی از فقها این حکم را مختص ازدواج موقت دانسته و شرط عدم آمیزش را خلاف مقتضای عقد دائم می‌دانند؛ [۳۹، ج ۴، صص ۳۰۳-۳۰۴؛ ۲۵، ص ۱۳۸] اما بیشتر فقها به استناد دو روایت اسحاق بن عمار و سماعه بن مهران [۴۱، ج ۷، ص ۳۶۹] این شرط را در عقد ازدواج چه دائم باشد یا موقت، جایز می‌دانند. [۴۰، ص ۴۷۴؛ ۲۲، ج ۲، ص ۳۰۳؛ ۱۱، ج ۲۴، ص ۵۳۲] بر فرض که بهره‌وری جنسی یکی از اهداف ازدواج باشد، اهداف دیگری همچون محرمیت [۶۹، ج ۳۱، ص ۹۹؛ ۸، ج ۲، ص ۶۵] برای آن قابل تصور است که وجود آنها با شرط عدم آمیزش، برای صحت ازدواج کافی است. [۳۲، ج ۸، ص ۲۴۸]

ب) صحت ازدواج افراد ناتوان از آمیزش

از جمله پیامدهای پذیرش بهره‌وری جنسی به عنوان مقتضای ذات عقد ازدواج، بطلان ازدواج در فرض عدم امکان آمیزش است؛ یعنی ازدواج افرادی که توانایی برقراری رابطه جنسی ندارند (به صورت طبیعی مثل فرد عنین یا در اثر سوانح) یا کسانی که رابطه جنسی برایشان موضوعیت ندارد، مانند ازدواج افراد مسن، باید باطل باشد؛ [۴۴، صص ۲۲۳ و ۲۲۴؛ ۹، ص ۷۸] حال آنکه فقها در صحت ازدواجی که بهره‌وری جنسی از زوجه به هر علتی (ممنوعیت شرعی، عرفی یا عقلی) ممکن نیست، مانند ازدواج دختر نابالغ [۴۶، ج ۷، ص ۱۲۴] ازدواج پیرزن و پیر مرد و ازدواج افرادی که دارای عیوب جنسی هستند، اختلافی ندارند. [۶۹، ج ۳۱، ص ۱۰۰؛ ۶۲، ج ۵، ص ۱۸۱]

ج) عدم مالیت بهره‌وری جنسی

اجاره انگاری ازدواج موقت مستلزم مالیت داشتن بهره‌وری جنسی است، زیرا مال الاجاره باید مالیت داشته باشد؛ اما فقها مالیت بهره‌وری جنسی را نپذیرفته‌اند، چون مهریه از احکام تبعیدی ازدواج است و رکن بودن آن در ازدواج موقت به جهت معاوضه آن با حق بهره‌وری جنسی نیست و در نتیجه، برخورداری از بهره‌وری جنسی، سبب تحقق عنوان «غنا» و استطاعت در حج برای زن نمی‌شود. همچنین پرداخت خمس نسبت به مهریه‌ای

که در برابر حق بهره‌وری قرار دارد، واجب نیست. از سوی دیگر، زوج در عقد ازدواج، مالک حق انتفاع از زوجه می‌شود، نه مالک منفعت وی و به همین جهت قابل انتقال به دیگری نیست. همچنین زوج حق رجوع به زانی (اگر با زوجه زنا کند) یا خود زوجه (اگر اقدام به خودکشی کند) یا قاتل زوجه (اگر کشته شود) به سبب اتلاف یا انتفاء ملکش را ندارد. از این‌رو، بهره‌وری جنسی از سنخ منافع انسان آزاد در برابر مال نبوده، خودش هم مال به حساب نمی‌آید. [۶۹، ج ۲۹، ص ۳۲۷]

د) مشترک بودن حق بهره‌وری جنسی برای زوجین

در دیدگاه معاوضی، ازدواج موقت، قراردادی است میان زوجین که به موجب آن، زن مالک مهریه و مرد مالک بهره‌وری جنسی از زن می‌شود. از پیامدهای این رویکرد، نادیده گرفتن برابری جنسی زن و مرد مبتنی بر نیازهای جنسی مشترک هر دو طرف است؛ در حالی که نیاز جنسی در زنان نه تنها کمتر از مردان نیست، بلکه در پاره‌ای از روایات بیش از مردان توصیف شده است. [۵۵، ج ۵، ص ۳۳۸، ح ۲] بهره‌وری جنسی، حق انتفاع مشترک زوجین است و چه بسا غرض زوجه از ازدواج موقت، به‌جای دریافت عوض مالی (مهریه)، برخورداری از حق بهره‌وری جنسی مشروع است. [۶۷، ج ۲، ص ۹۳۵] براین اساس، ازدواج موقت و دائم عقدی است که هریک از طرفین، دیگری را بر انتفاع خاص از خود مسلط می‌کند. در واقع، عوضین در ازدواج، تمتعی است که زن و مرد از یکدیگر می‌برند. تمتع زن در عوض تمتع مرد و تمتع مرد در عوض تمتع زن قرار می‌گیرد. [۱۰، ج ۳، ص ۱۸۱؛ ۵، ص ۴۶]

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان داد:

- ۱- اجاره‌انگاری ازدواج موقت با شأن و جایگاه زن ناسازگار است.
- ۲- تشبیه ازدواج موقت به عقود معاوضی و اجاره‌انگاری آن در متون فقهی و تفسیری امامیه، مبتنی بر یک تسامح در تعبیر است وگرنه معاوضه‌ای میان پرداخت مهریه و بهره‌وری جنسی از زوجه در مدت عقد ازدواج موقت انجام نمی‌شود، زیرا مهریه و بهره‌وری جنسی، ویژگی‌های عوضین در عقود معاوضی را ندارند.
- ۳- تعبیر به «اجر» درباره مهریه در نصوص دینی درباره ازدواج موقت، دلیل بر

اجاره‌انگاری ازدواج موقت نیست، بلکه تعبیری کنایی است برآمده از شباهت ازدواج موقت در مدت و مهریه با عقد اجاره.

۴- بهره‌وری جنسی جزء ماهیت ازدواج موقت نیست و صلاحیت معاوضه در برابر مهریه را ندارد؛ زیرا شرط عدم بهره‌وری جنسی، خللی در صحت ازدواج موقت وارد نمی‌کند. همچنین عدم تحقق آن در ازدواج به هر دلیلی (ناتوانی جنسی زوجین، صغر یا کبر سن زوجین، بیماری زوجین، عدم تمایل زوجه به ازاله بکارت، عدم تمایل زوجین به فرزندآوری و ...) مانع از صحت ازدواج موقت نیست.

۵- بهره‌وری جنسی تنها منفعت زوج و تعهد زوجه در ازدواج موقت نیست، بلکه حق انتفاع مشترک میان زوجین است. از این رو به همان میزان که زوجه متعهد به تمکین و پاسخگویی به نیازهای جنسی همسر موقت خود است، زوج نیز مکلف به رفع نیازهای جنسی زوجه موقت خود خواهد بود.

منابع

- [۱]. قرآن کریم
- [۲]. ابن ادریس حلی، محمد بن منصور، (۱۴۱۰ق)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ دوم.
- [۳]. ابوالفتح رازی، حسین بن علی، (۱۳۷۶)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- [۴]. ابوزهره، محمد، (بی تا)، خاتم النبیین صلی الله علیه و سلم، بی جا، بی نا.
- [۵]. امیر محمدی، محمد رضا، (۱۳۸۸)، حقوق مدنی: نظام مالی خانواده، تهران، نشر میزان.
- [۶]. انصاری، مرتضی، (۱۴۱۱ق)، کتاب المکاسب المحرمه و البیع و الخیارات، قم، منشورات دار الذخائر.
- [۷]. انصاری، مرتضی، (۱۴۱۵ق)، کتاب النکاح، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- [۸]. ایروانی، علی بن عبدالحسین، (۱۴۰۶ق)، حاشیه المکاسب، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- [۹]. باباپور، محمدمهدی و حسینی، سیدمیرقاسم و حق پرست، محمدمهدی (۱۳۹۰)، «بررسی شروط خلاف مقتضی ذات عقد نکاح»، فصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی، شماره ۲۳: ۶۹.
- [۱۰]. بحرالعلوم، سیدمحمدبن محمدتقی، (۱۴۰۳ق)، بلغة الفقیه، تهران، منشورات مکتبه الصادق، چاپ چهارم.
- [۱۱]. بحرانی، یوسف بن احمد، (۱۴۰۵ق)، الحدائق الناضره فی أحكام العتره الطاهره، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- [۱۲]. بهجت، محمدتقی، (۱۴۲۸ق)، استفتاءات، قم، دفتر حضرت آیه الله بهجت.
- [۱۳]. جعفرپور، جمشید و ذوالفقاری، سهیل (۱۳۹۰)، «وابستگی اقتضای ذات نکاح به روابط زناشویی»، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، بهار و تابستان، شماره ۴: ۴۶-۲۵.

- [۱۴]. ابن قییم، محمد بن ابو بکر، (بی تا)، *إغائة اللهفان من مصاديد الشيطان*، رياض، مكتبه المعارف.
- [۱۵]. حاجی پور، مرتضی، (۱۳۹۴) «نقش فرعی مهریه در ماهیت نکاح»، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، شماره ۷۰: ۱۹۸-۱۶۹.
- [۱۶]. حائری مازندرانی، زین العابدین، (۱۲۹۶ق)، *ذخیره المعاد*، عظیم آباد، مطبع صحیح صادق.
- [۱۷]. حرعاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه*، قم، مؤسسه آل البیت.
- [۱۸]. حسینی همدانی، محمدحسین، (۱۴۰۴ق)، *انوار درخشان*، تهران، کتابفروشی لطفی.
- [۱۹]. رشیدرضا، محمدرشید بن علی رضا، (۱۹۹۰م)، *تفسیر القرآن الکریم (تفسیر المنار)*، مصر، الهیئه المصریه العامه للکتاب.
- [۲۰]. حلی، محمدبن حسن، (۱۳۸۷ق)، *ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد*، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
- [۲۱]. خمینی، سیدروح الله، (۱۴۲۱ق)، *کتاب البیع*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- [۲۲]. _____، (بی تا)، *تحریر الوسیله*، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
- [۲۳]. خوانساری، سید احمد بن یوسف، (۱۴۰۵ق)، *جامع المدارک فی شرح مختصر النافع*، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم.
- [۲۴]. خوئی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۸ق)، *موسوعه الامام الخوئی*، قم، مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
- [۲۵]. دیانی، عبدالرسول، (۱۳۸۷)، *حقوق خانواده (ازدواج و انحلال آن)*، تهران، نشر میزان.
- [۲۶]. روحانی، سیدمحمدصادق، (۱۴۱۴ق)، *فقه الصادق*، قم، دارالکتاب. چاپ سوم.
- [۲۷]. سبحانی، جعفر، (۱۴۱۶ق)، *نظام النکاح فی الشریعه الإسلامیه الغراء*، قم، مؤسسه الامام الصادق (ع).
- [۲۸]. _____، (۱۳۸۵)، «ازدواج موقت در کتاب و سنت»، *مجله فقه اهل بیت علیهم السلام*، زمستان، شماره ۴۸: ۱۳۷-۵۷.
- [۲۹]. سبزواری، سیدعبدالأعلی، (۱۴۱۳ق)، *مهذب الأحکام فی بیان الحلال و الحرام*، قم، مؤسسه المنار، چاپ چهارم.
- [۳۰]. سند، محمد، (۱۴۲۹ق)، *سند العروه الوثقی*، قم، باقیات.
- [۳۱]. شبیری زنجانی، سید موسی، (۱۴۱۹ق)، *کتاب نکاح*، قم، مؤسسه پژوهشی رأی پرداز.
- [۳۲]. شهیدثانی، زین الدین بن علی، (۱۴۱۳ق)، *مسالك الأفهام ألی تنقیح شرائع الإسلام*، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیه.
- [۳۳]. شهیدی، مهدی، (۱۳۸۰)، *تشکیل قراردادها و تعهدات*، تهران، مجد، چاپ دوم، ج ۱.
- [۳۴]. صفایی، حسین، (۱۳۸۳)، *دوره مقدماتی حقوق مدنی (قواعد عمومی قراردادها)*، تهران، میزان، چاپ دوم، ج ۲.
- [۳۵]. حکیم، سیدمحسن، (۱۴۱۶ق)، *مستمسک العروه الوثقی*، قم، مؤسسه دارالتفسیر.
- [۳۶]. طباطبائی یزدی، سیدمحمدکاظم، (۱۴۰۹ق)، *العروه الوثقی فیما تعم به البلوی*، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم.
- [۳۷]. طباطبائی، سیدمحمدحسین، (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
- [۳۸]. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناصر خسرو، چاپ سوم.

- [۳۹]. طوسی، محمدبن حسن، (۱۳۸۷ق)، *المبسوط فی فقه الإمامیه*، تصحیح محمد تقی کشفی، تهران، المكتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه، چاپ سوم.
- [۴۰]. طوسی، محمدبن حسن، (۱۴۰۰ق)، *النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی*، بیروت، دارالکتب العربی، چاپ دوم.
- [۴۱]. _____، (۱۴۰۷ق)، *تهذیب الأحکام*، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم.
- [۴۲]. طیب، عبدالحسین، (۱۳۷۸)، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات اسلام، چاپ دوم.
- [۴۳]. عاشور، سعید، (۱۹۸۷م)، *نظم الحکم و الاداره فی عصر الایوبین*، بیروت، مؤسسه العربیه للدراسات و النشر.
- [۴۴]. عباسی، مجید (۱۳۹۱)، «وضعیت حقوقی شروط ناظر بر روابط جنسی زوجین»، *فصلنامه خانواده پژوهی*، تابستان، شماره ۳۰: ۲۳۴-۲۱۳.
- [۴۵]. حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۳ق، الف)، *قواعد الأحکام فی معرفه الحلال و الحرام*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه.
- [۴۶]. _____، (۱۴۱۳ق، ب)، *مختلف الشیعه فی أحکام الشریعه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
- [۴۷]. عباشی، محمد بن مسعود، (۳۸۰ق)، *تفسیر العیاشی*، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه.
- [۴۸]. فاضل لنکرانی، محمد، (۱۴۲۱ق)، *تفصیل الشریعه فی شرح تحریرالوسیله - النکاح*، تصحیح: حسین واثقی و همکاران، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
- [۴۹]. فاضل هندی، محمدبن حسن، (۱۴۱۶ق)، *کشف اللثام و الإیهام عن قواعد الأحکام*، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- [۵۰]. فیض کاشانی، محمد محسن بن مرتضی، (۱۴۱۷ق)، *المحجّه البیضاء*، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، چاپ چهارم.
- [۵۱]. قزوینی، ملاعلی، (۱۴۱۴ق)، *صیغ العقود و الإیقات*، قم، شکوری.
- [۵۲]. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۵)، *دوره مقدماتی حقوق مدنی خانواده*، تهران، نشر یلدا.
- [۵۳]. کاسانی، علاءالدین ابوبکر بن مسعود، (۱۴۰۶ق)، *بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع*، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ دوم.
- [۵۴]. کاشف الغطاء، حسن بن جعفر، (۱۴۲۲ق)، *أنوار الفقاهة - کتاب النکاح*، نجف اشرف، مؤسسه کاشف الغطاء.
- [۵۵]. کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم.
- [۵۶]. مازندرانی (ابن شهر آشوب)، محمدبن علی، (۱۳۶۹ق)، *متشابه القرآن و مختلفه - بیان المشکلات من الآیات المتشابهات*، قم، دار البیدار للنشر.
- [۵۷]. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار الجامعة لدرر الاخبار*، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
- [۵۸]. حلی، جعفر بن حسن، (۱۴۰۸ق)، *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، تصحیح عبدالحسین محمدعلی بقال، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم.
- [۵۹]. کرکی، علی بن حسین، (۱۴۱۴ق)، *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، قم، مؤسسه آل البیت، چاپ دوم.
- [۶۰]. مدرسی یزدی، عباس، (۱۴۱۰ق)، *نموذج فی الفقه الجعفری*، قم، کتابفروشی داوری.

- [۶۱]. مشکینی، علی، (۱۳۹۰)، *التعلیقہ الاستدلالیہ علی تحریر الوسیلہ*، قم، دارالحدیث للطباعه و النشر.
- [۶۲]. مغنیه، محمدجواد، (۱۴۲۱ق)، *فقه الإمام الصادق علیه السلام*، قم، مؤسسه انصاریان، چاپ دوم.
- [۶۳]. ابن ابی حافظ مقدسی، نصر بن ابراهیم، (بی تا)، *تحریم نکاح المتعة*، ریاض، دارطیبة للنشر و التوزیع، چاپ دوم.
- [۶۴]. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۴ق)، *کتاب النکاح*، تصحیح: محمدرضا حامدی و مسعود مکارم، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- [۶۵]. عاملی، سیدمحمدبن علی، (۱۴۱۱ق)، *نهایه المرام فی شرح مختصر شرائع الإسلام*، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- [۶۶]. موسوی قزوینی، سیدعلی، (۱۴۲۴ق)، *ینابیع الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام*، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- [۶۷]. قمی، ابوالقاسم بن محمد، (۱۴۲۷ق)، *رسائل المیرزا القمی*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- [۶۸]. نائینی، محمدحسین، (۱۳۷۳ق)، *منیة الطالب فی حاشیة مکاسب*، تهران، المكتبة المحمدية.
- [۶۹]. نجفی، محمدحسن، (۱۴۰۴ق)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ هفتم.
- [۷۰]. هادی، اسماعیل، (۱۳۷۴)، *دورنمای حقوقی ازدواج موقت*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم.